

نمایشنامه کودک و نوجوان

جادوی بی جنبل

نویسنده: مادی حق نویس



شخصیت ها

آقای داس: مزرعه دار

ساحره: جادوگر

دم سفید: خرگوش

پرسیاه: کلاغ

روباه

خلاصه نمایشنامه

آقای داس، مزرعه دار خسیسی است که به یکباره هویج های غول پیکری در مزرعه او رشد می کنند. روباهی تنبل نگهبان مزرعه است تا خرگوش ها و پرندگان را از انجا دور کند. حال و هوای جنگل عوض می شد و در ادامه جادوگری با کمک حیوانات

اپیزود اول

{صحنه اول}

{مزرعه ای پر از هویج های بزرگ غول پیکر و سبزیجات است .
 پیرمردی در حال برداشت سبزیجات است و مترسک درست شده با
 جaro در وسط مزرعه قرار گرفته است ، و خرگوشی در حال نگاه
 کردن از پشت بوته ها ، که گویی حال و هوای خوردن دارد. }

پرسیاه {کلاغی با پر زدن به اطراف مزرعه با دیدن مترسک می ترسد و پا به فرار می گذارد }

، آقای داس ازشون بدم میاد ، حیونای بدجنس ! به من میگن دآس {کلاه و شال گردن ، کمر بند دوبنده شلواری . شکم بزرگ
 داسی در دست }

من داسم من داسم	زرنگمو و وسواسم
رو بعضی چیزا اما	خیلی خیلی حساسم
می کارم من تربچه	با هویج و پیازچه
با سبزی و چغندر	هم کاهو هم الوچه
میشن سوپ لذیذی	غذای بی نظیری
خوشمزه و با نمک	با سبزی و بربری
قابلمه روی آتیش	دل میشه خیلی ریش ریش
هویج قل میخوره توش	با اون رنگ حنائش
وای که چه بویی داره	مزه خوبی داره
نگاه کن این شکم رو	دیگه طاقت نداره
من داسم من داسم	همش فکر شکارم
دنبال کار رو بارم	از حیونا بیزارم
من یه مزرعه دارم	خیلی دوستش می دارم
محصول داره فراوون	خوب نگهش می دارم
داس تیزی تو دستم	همیشه با اون هستم

اقای دآس با من طرفید، مخصوصا اون چشم درشتا .با اون دستای نحیفشون ، بقیتونم به چنگم بیان می دونم !

دم سفید شیکمشو نگا، این همه خورده ، بازم می خواد، فک کردی .اما ...من تا بحال هویج هایی به این درشتی ندیده بودم ،بهتره همچین تند و تیز برم اونجا. اا نه ، {پشت بوته ها پنهان شده است }

اقای داس تو هم کارتو خوب بلدی {مترسک را نوازش می کند و موهای ان را شانه می کند} خوب شد سر راه پیدات کردم.بهتر از اون بدرد نخور حقه بازی ، فقط خوردن و خوابیدن بلده .کم کم وقتشه دمشو بذارم رو کولش بره .و یا یا شایدم بخاطر اونه .من که سر در نیارم .وای عزیزای خوشمزه رو ببین !چه خوش قد بالا شدن .همتونو دوس دارم

دم سفید بوی هویج ،آخ تربچه ها رو . آخ گوجه ها رو . وقتی زیر دندونات حسشون کنی.{ از خود بی خود به طرف مزرعه می رود از سوراخی عبور می کند }

اقای داس کی اونجاست .یالا خودتو نشون بده . کی هستی، ترسو خودتو نشون بده دیدمت !

دم سفید دستام ،پاهام، دارید چکار می کنید نمی تونم نگهشون دارم . نه خواهش می کنم نرید . { با حالتی دهان باز }

اقای داس اها دیدمت مزاحم فسقلی . فک کردم حسابتو رسیده ، اون تنبل ! هنوز چلاق بی دست و پا نشدم، اشکال نداره /اره بیا بیا

دم سفید خواهش می کنم این دفعه رو با پای خودم نیومدم. از این ورا داشتم جست می زدم .اما حتما!چیزی منو کشونده به مزرعه شما !

اقای داس ا . اره باورم شد . اون دندونای بی رحمت .هویجای منو نشونه رفته!

دم سفید گفتم که من من...

اقای داس هیس هیس . از وقتی سر و کلتون پیدا نشده مزرعه من خوش آب و رنگتره . . قامت رعناشونو نگاه

دم سفید ما حیونا به طبیعت جون می دیم . با خوردن علف ها و هویجای پیر . کمک به رشدشون می کنیم

اقای داس این حرفا رو از کجا آوردی. می خوامی گوشای منو مثه خودت دراز کنی.یه قدم دیگه بیای همچین!. وایسا

تا به حسابت برسم

دم سفید آقای داس خواهش می کنم.ن. پاهای پر جون برسید به داد این بی جون .

آقای داس آها راه فرار نداری. گیرت اوردم کوچولوی بی ریخت. گرفتمت. گرفتمت { خرگوش از سوراخی اطراف پرچین مزرعه فرار می کند } به چنگت میارم. اینبار رو جستی خرگوشک . دفعه ی بعد تو داسی وروجک!

آخر میان تو دستم با نقشه ای که ساختم
با روباه و مترسک دشمن خیلی سختم
بدجنسای خرمگس اسیر میشد تو قفس
بی هیچ اب و غذا کار می کنید یکنفس
تا بره از یادتون خونتون و لونتون
تا که روباه زشت و پیرم بشه نگهبانتون

روباه ارباب ارباب ، بسپردیدش به من، کی جرات کرده بیاد اینورا {با حالتی خواب آلود}

آقای داس لازم نکرده از اون سوراخی فرار کرد. وایسا ببینم .مکار خواب بودی ؟

روباه من و خواب مهربون ،این چشمها از بس باز موندن این شکلی شدن.{خمیازه می کشد}

آقای داس نه مته اینکه دمتو باید ...

روباه قربان قربان . دم ما همچین تحفه ای هم نیست .فدای شما ،خودم رو کولم می دارم . زحمتو کم می کنم.

آقای داس الان دمتو می برم تا دیگه واسه من چرب زبونی نکنی، دم سفیده اینجا بود!

روباه کی . آقای داس امکان نداره ، من من ...

آقای داس بسه بسه ..همینجا می مونی . اون سوراخی هم می بندی.اون می خوام .تا به دام ننداختیش .خبری از غذا نیست .

روباه به من رحم کنید دنده هام به پوستم چسبیده . پاهام لرزون شدن.چشام سو سو می زنن . نفسم بند اومده. دستام بی حس شدن . مهربون .غذا علف هم بدید . می خورم خسیس نجسب {با صدای اروم}

آقای داس شنیدم چی گفتی .از علف هم خبری نیست .!

{ پایان صحنه اول }

{صحنه جنگل }

{شب هنگام است، جادو گری گوش های بزرگی دارد و صدای گریه و زاری او به گوش می رسد.. ابتدا پرسپاه وبعد دم سفید از خواب بیدار می شوند }

ساحره

ساحره ام ساحره پر از یاد و خاطره

از یه دوست قدیمی شیرین بود و صمیمی

با گوش های درازم با یار خوب و نازم

میرفتم من به هر سو جادو می کردم با او

چند روزیه که نیستش ناراحتم ز دستش

شدم تنهای تنها بی همدم و همراه

پرسپاه قار قار ، زار زار ، این شب تار ، ما که دیگه نداریم خواب باید باشیم بیدار روی بالش ناز کلافه و بی تاب . از حال و روزت معلومه پریشونی و بیمار. داری زخمی و نداری مرهمی چاره ساز

دم سفید ای کلاغه پرسپاه . داری ناله یا که داری ازار . صدای تو طبل جنگه یا اواز . هر چی که باشه داره ازار

پرسپاه ا من دارم گله و شکایت . از من برده خواب راحت . {تو هستی در اشتباه } . این ساحره داره قیل و قال یا که داره قصد ازار

دم سفید این طفلی یه گوشه اروم نشسته . چه ساکت اما . انگاری هست حیرون!

ساحره به من میگی آروم

می دونی من کی هستم چرا اینجا نشستم

به من میگن ساحره همون که جادوگره

چی می دونی از کارم از حال و روز گارم
 بیا ببین کارامو جادو جنبلامو
 حالا می دم نشونی تا از کارام بدونی
 پرواز می دم به بالا هر چی که باشه اینجا
 دشمنامو نابود می کنم با یک نگاه دود می کنم
 باهوش میشه الاغه خرگوش میشه کلاغه
 هر چی که هست آرزوت سریع میاد روبه روت
 پیش بینی و پیش گوی به همراه غیب گویی
 اساس کار منه انجام می دم یک تنه

پرسیاه حالا که از خواب بیدارمون کردی ! میخوای بگی چه اتفاقی افتاده واست ؟

ساحره تو جنگل ، کنار یه چشمه ، خوابم برد . نمی دونم چند وقت ، شایدم چند روز

دم سفید . پرسياه چند روز!!!

ساحره آخه وقتی بیدار شدم هیچی سر جاش نبود . جاروی قشنگم رفته بود . دورو ورم یه جور دیگه شده بود!

دم سفید پرسياه یه جور دیگه!!

ساحره گل و گیاهها مته فصل بهار رشد کردن و بزرگتر شده بودن

پرسیاه الان که زمستونه

دم سفید شاید جارو جادوویت توی اب چشمه افتاده رفته اون دور دورا . عجیبه !!

پرسیاه چی چی عجیبه . تو از چیزی خبر داری که من نمی دونم !!!!

دم سفیده تو کلاغی باید بدونی { با طعنه }

پرسیاه اره ما کلاغا از همه جا خبر داریم !

دم سفید فهمیدم! اون هو یجای بزرگ می تونه کار جارو سحرامیز باشه

پرسیاه منم دیدم اونو . ولی این ساحره در عوضش می تونه کمکمون کنه {در گوشی}

ساحره دارید چی میگید . خیال بد تو سرتون نباشه . نمی خواهید که طلسم بشید

دم سفید نه ما می خواهیم تو گریون نباشی ساحره مهربون . ما می دونیم کجاست

ساحره مهربون! بگید خو . سریع . جاشو بگید . قول می دم هر چی بخواید واسوتون انجام بدم

پرسیاه شاید نتونی !

ساحره می دونم ارزوها تونو شنیدم . اما بدون جارو نمی تونم

دم سفید داری دروغ میگی . چطوری شنیدی؟

ساحره گوشای من تیزن همه صداها رو میشنوه . بیا جلو تا بگم {در گوشی به کلاغ}

پرسیاه راست میگه دم سفید . همیشه دوست داشتم . وای چه میشه {با ذوق قار قار می کند}

دم سفید میشه نخونی . ما اون جارو تو مزرعه آقای داس دیدیم ، که مترسک شده . اما اون خودخواه بداخلاق حرفای

تو رو باور نمیکنه که بخوای ازش پس بگیری

ساحره من هر طور شده باید جارو پس بگیرم تا همه چیز درست کنم . تغییر فصل ها میتونه جنگل و همه چیزو نابود کنه .

اما بدون کمک نمیشه

دم سفید من اجازه نمی دم داس جنگل نابود کنه . بهت کمک می کنم

پرسیاه منم می تونم

دم سفید کلاغ! {کلاغ ناراحت می شود}

پرسیاه کلاغ پرسياه منم قشنگ پوست تنم

یه نوک دارم که تیزه واسم خیلی عزیزه

خبر دارم همیشه نباشم پخش نمیشه

جار می زنم جار جار جار خبر می دم قار قار قار

پرنده هوشیارم ببین چقدر پرکارم

با نشاط و سحر خیز بازیگوش و خیلی تیز

تاب می خورم تو اسمون تو جنگل و بیابون

تا که خبر بیارم از تنبلی بیزارم

دم سفید حالا من بین به من میگن خرگوش جون زبر و زرنک و شیطون

یه حیون ناز نازی همش در حال بازی

من می دوم مته باد خوشحالمو و شاد و شاد

موهام نرم و سفیده گوشام بلند و تیزه

جست و خیزم زیاده دشمن ازم میبازه

با جرات و با سرعت کار می کنم با دقت

نقشه دارم همیشه با فکر و با اندیشه

باهوشمو دونده حریف ندارم بنده

ساحره پس زود باشید بریم مزرعه داس . تا جارو سحر امیزم پس بگیرم . حرکت کنید. د بیابین خو

دم سفید صبر کنید مزرعه نگهبان داره .

ساحره پس میگی چیکار کنیم

دم سفید .بریم مزرعه بهتون میگم

{صحنه مزرعه}

اپیزود دوم

{پرسیاه و دم سفید و ساحره بهمراه هم پشت بوته های مزرعه پنهان شده اند. }

دم سفید اونجاست. می بینیش ساحره . جارو سحر آمیزه . زودی می رم میارمش. {بطرف پرچین مزرعه می رود }

ساحره چه بلایی سرش آورده داس . آخه طفلی چقد لاغر شد . پاهاش یخ زده تو خاک. .

پرسیاه مواظب روباه باش تو رو اسیر نکنه ! دارم می بینمش ها .

دم سفید کلاغه میشه یبار خبر خوب بدی ؟

پرسیاه خبر خبره دیگه. به من چه!

ساحره میشه یکم هم به آرزوهاتون فک کنید ؟

دم سفید مته اینکه روباهه خوابه، جارو رو از چنگ داس در میارم {بطرف پرچین مزرعه می رود}

ساحره برگشتی که ! چرا نرفتی تو مزرعه . چیزی شده؟

دم سفید اون سوراخی رو بسته بود . دیگه راهی نداره که برم داخل مزرعه

ساحره بهتره خودم یواشی برم. همینجا بمونید تا برگردم { ساحره از بالای پرچین مزرعه عبور می کند روباه لحظه ای چشم باز میکند. { لالایی بخواب .

{ساحره ناتوان از بیرون کشیدن جارو در همین حین پای ساحره در درون آب پاشی فرو رفته کشان کشان به سوی بیرون از مزرعه به روباه می خورد و اب پاش در دست روباه می افتد . آقای داس بیدار می شود }

آقای داس چیزی شده روباه . این همه سر و صدا راه انداختی ؟ باز داری چه دسته گلی اب میدی ؟

روباه من به همه گلها اب میدم، آقای داس شما اسوده بخوابید ..چهار چشمی حواسم به همه چیز هست . دارم خوب مزرعه می گردم. میگم اگه اذیت می شید منم بخوابم تا راحت استراحت کنید ، کار من دیگه صدا داره !. خیلی هم سخته چش و چالم جایی نمیینه .

آقای داس مته اینکه زبر و زرنگ شدی .افرین خوب حواست به مزرعه نازنینم باشه .هیشکی نباید به اینجا نزدیک بشه

روباه افتخاره ، کار در کنار آقای داس بخشنده . میشه یه گاز کوچولو به این هویج بزنم . تا چشم قوت بگیرن .

آقای داس آخه کدوم روباه هویج میخوره، فک کردی چرا اینجایی ؟ تا یه خورده تعریف میشنوه حریص میشه گفتم که دم سفید بگیر پاداش هم داری . {خمیازه}

روباه همین اخلاقشه که دوستی نداره، آخ سرم .نمی دونم چرا می چرخه .بهتره برم بخوابم داس که به فکر من نیست

{پرسیاه و دم سفید و ساحره به پشت بوته ها برمیگردند }

ساحره پای جارو بیچاره بدجور تو خاک گیر کرده .جون نداشتم بکشمش بیرون .پیر و ناتوان شدم دیگه {گریه }

پرسیاه چه غمگین ،آخیه کاش می تونستم واسش کاری بکنم {قار قار غمگین سر می دهد}

دم سفید وقتی دوست مته ما داری هیچوقت تنها نمیشی . یه فکر بکری دارم.

ساحره چه فکری ،خرگوش باهوش

دم سفید فقط کار پر سیاهه.باید آواز بخونه

ساحره کلاغ آواز بخونه!!!!!!!

پرسیاه آره می خونم،می توئم {با ذوق}قار قار قار.....

پرسفید |||| اینجا نه .

پرسیاه پس کجا

پرسفید باید پرواز کنی بری کنار جارو جادویی اواز بخونی.

ساحره که چی بشه انوقت ؟

پرسفید خودتون می بینید .

پرسیاه نخیرم قبول نیست ازش می ترسم چشاشو نگا/ موهاش تنمو زخم و زیلی می کنه .نه نه من نیستم

ساحره این که مترسک نیست پرسياه . جاروی منه،بهت قول می دم کاری به تو نداشته باشه .مگه ارزو نداشتی . بدون اون

جارو نمی توئم ها

پرسیاه اره اره می خوام .فقط فقط منو تنها نذارید .

دم سفید الان وقتشه

{ کلاغ به بالای مترسک می رود و از بالای ان اواز می خواند .داس سراسیمه از خواب بیدار می شود }

پرسیاه قار قار قار آگاه باشید و بدانید .خبر دارم خبر قار قار قار

اقای داس کلاغ بدترکیب بد صدا .برو خبر نمی خوام . مته اینکه دلت واسه ی داسم تنگ شده . سرم رفت، برو دور شو

گوش خراش .آهای روباه .روباه؟

پرسیاه آخیش . چه جای راحتیه. خوب لونه ای پیدا کردم .

اقای داس لونه!!! این مترسکه ، تو رو درسته قورت می ده. الان می دونم از ترس نمی تونی جم بخوری . می خوای روباه
کمکت کنه بیارتت پایین ؟

پرسیاه من که اسودم چه بالشت نرمی .

اقای داس باز خواب بودی . دمتو بیرم تنبل ؟

پرسیاه روباه دم بریده ، کسی تا حالا ندیده {خنده}

روباه ارباب باید با مهربونی با کلاغا حرف زد. برید کنار . می دونم چیکارش کنم . به به چه کلاغی عجب دمی عجب
پر و بال مشکی

پرسیاه کلاغ نه زاغ . مشکی نه سیاه. بعدشم پنیر که ندارم بخوای فرییم بدی

اقای داس نقشست همین بود . داسم بیارم. ا دم سفیده اونجا س. کلاغ ول کن برو اونو بگیر. نه اینو دور کن سرم رفت. نه اونو
بگیر {خرگوش}

روباه ااا قربان گیج شدم . الان چیکار کنم .

اقای داس اه . چه مترسک بدرد نخوری.. برو پرتش کن از مزرعه بیرون از شرش خلاص شیم . چرا هر روز موهاشو شونه
کنم . چه سودی داره وقتی از پس یه کلاغ هم برنمید. ن ن صبر کن . چوبش بکار میاد . بذارش تو کلبه

{ خرگوش و کلاغ و ساحره پوشت بوته ها هستند }

دم سفید وای چه بد شد . این چه صداییه ؟

پرسیاه قلب منه داره تالاپ تلپ می کنه . نزدیک بود ها

ساحره کلبه داس ! جارو....

دم سفید میشه با یه نقشه درست و حسابی !

پرسیاه مگه روباه نمی بینی . اون منتظره شکاره . تاز داس !!!

ساحره چطوری خرگوش باهوش ؟

دم سفید بیاین جلو تا بگم . {درگوشی}

پرسیاه نه نه من نیستم

ساحره مگه ارزو نداشتی .من می توئم اون چیزی که میخوای برآورده کنم

پرسیاه باشه باشه {با ذوق}

{ساحره با دو کیسه که پرسياه و دم سفید حمل میکند. جهت راه رفتن انتهای کسیه سوراخ و پاهاى بازیگر بیرون باشد}

ساحره اهای می پزم . اهای در طمع های و مزه های مختلف. هر چیزی که لذیذ باشه

روباه چه خبره . چرا داد میزنی . کی هستی

ساحره من یه اشپز دوره کردم

من اشپزم من اشپزم غذای خوب می پزم

ابگوشت و اش فلفلی با کوفته های فلفلی

با دیزی و فسنجون برای پیر و جون

خوراکیام لذیذه خوش طعم و دلپذیره

چه عطر و بویی دارن مزه خوبی دارن

هر کی غذامو دیده هوش از سرش پریده

روباه ببینم این کیسه ها

ساحره اینا اینا وسایل اشپزین

روباه چه بوی خوبی اشنایی دارن .!؟

ساحره خوش به حالت چه محصول تازه بزرگی داری

روباه چیزیش به من نمیره . صاحب این مزرعه داسه . به هیشکی کمک نمی کنه. چند روزه تنبیه شدم غذا نخوردم

ساحره تنبیه. اخه واسی چی . روباه به این خوبی . به این زرنگی . دم ناز نازیشو نگاه

روباه ||| این حرفا که منو سیر نمیکنه

ساحره بد شد . مجبورم تو این سرما لرزون باشم ، اتیش هم ندارم . اگه جای واسه موندن داشتم . مثلاً تو یه مزرعه . با هویج های بزرگ . یه سوپ گوشت گرم و خوشمزه بهتره برم

روباه بازم بگو بازم بگو

ساحره نه بهتره برم .

روباه دیگه لرزون نمیشی . شانس بهت رو کرده اشپز { با حالت حيله }

ساحره چطوری روباهه

روباه همینجا بمون . بر می گردم. آقای داس آقای داس

داس باز چه خبر شده . مگه نمی دونی دارم استراحت می کنم

روباه قربان ، دوس دارید هر روز هر موقعه که میل داشتید غذای خوشمزه داشته باشید

آقای داس اینم سوال کردن داره نادون !

روباه من می توئم این کار واستون انجام بدم

آقای داس همون یه دفعه کافی بود. رو دل کردم.

روباه اره راست میگید طبع لطیف شما یه اشپز خوب می خواد

آقای داس خوب که چی . تو تو که فقط خوردن و خوابیدن خوب بلدی .

روباه اونجا نگاه کنید . این اشپزه دوره کرده . اومد جایی واسه موندن می خواد . با کیسه هایی پر از چاشنی خوش بو

آقای داس زود باش ببینم چی می خوای بگی؟

روباه چند روزی نگهش می داریم . کنارش می مونم ازش یاد می گیرم. دمشو می زاریم رو کولش که بره. چیزیم بهش

نمی دیم. تازه کیسه هاشم ازش می گیریم

داس اره فکر بدی نیست مکار شیطون . اگه تتونسی پاهاتو مته مترسک فرو می برم تو خاک ها!

روباه خیالتون راحت

ساحره اینقدر وول نخورید .

پرسیاه آی آی بال و پرم مچاله شد . چه خبره اونجا .

دم سفیده نکنه روباه فهمیده

ساحره هیس هیس . دارم به حرفاشون گوش می دم . دستم به جارو برسه

اقای داس اهای بیا اینجا ببینم راست میگه روباه . اشپز دوره گردی؟

ساحره اره اقا . من به تمام سرزمین ها سفر کردم . تا دلتون بخواد طمع های گوناگون بلد شدم

اقای داس می خوامی تو این مزرعه واسه همیشه بمونی، واسه من کار کنی؟

ساحره اره . شما واقعا بخشنده اید .

اقای داس اگه دزد ،چیزی باشی چی؟

روباه قربان بهشون نمیاد .

ساحره به من پناه بدید . اصلا می خوایید الان دست به کار بشم

اقای داس شرط داره

ساحره هر چی شما بگید قبول. من دیگه پیر و ناتون شدم بگید

اقای داس همیشه و هر جا روباهه همراهت باشه.

ساحره باشه . قبوله

روباه این کیسه ها واست میارم؟

ساحره خودم می تونم .

{نور صحنه کم می شود .صدای خر و پف داس شنیده می شود. دم سفید و پرسياه از کیسه بیرون می آیند}

دم سفید بیا پرسياه . بیا بیرون

پرسیاه دم سفید اینهاش جارو

دم سفید اره جارو جادویی

{جارو بدست جادوگر می رسد }

پرسیاه ممنون جادوگر مهربون، می تونم سر بدم آواز دیگه ندارم آزار {صدای کلاغ زیبا و خوش لحن شود}

{ روباه به شکل ربات . هویچ های مزرعه از جای کنده و به بیرون صحنه می برد نور صحنه بیشتر می شود. روباه تبدیل به مترسکی در زمین میخکوب می شود }

اقای داس قار قار مزرعه ام قشنگم. هویچ هام کجا رفتن. صدام چرا اینجوری شده . روباه قار قار

اقای داس کمک کمک وای مترسک مترسک قار قار . { روباه را دیده که مترسکی شده است }

خدا نگهدار خدا نگهدار

به این طبیعت بدین محبت

تو چترشون باش به فکرشون باش

با این طبیعت تو هستی خوشبخت

پایان 1398

هرگونه برداشت با اجازه نویسنده مجاز است 09161720276